

رحیم عقیقی

سی روزه بزرگ

سپاس و حق‌گزاری نسبت به چیزهای اورمزد داده از خصوصیات بزرگ ایرانیان مزدپرست بوده و برگزاری نیایشها بر هر فرد بهدین واجب و سر باززدن از آنها مایه گمراهی و درماندگی بوده است.

آسمان روشن، زمین نیک، آتش درخشان، گیاه سرسبز، هوای پاک و و و که همه برای ادامه زندگی بشر لازم و ضروریست باید به بهترین صورت مورد احترام و ستایش قرار گیرند و امور مینوی همچون راستی، درستی، رادی، پرهیزگاری، خرد، توانایی، آشتی، جوانمردی و و و که انسان را بسوی کمال رهبری میکند بایست بهترین درود و سپاس را از آدمیان دریافت دارند. هر یک از این امور چه جهانی و چه مینوی را فرشته‌ای نگاهبانی میکند که سپاس بدانها سبب میگردد در مواقع لازم بیاری هر بهدین بشتابند و در پیشگاه اهورامزدا از او پشتیبانی کنند. نام هر یک از سی روزه ماه بیکی از فرشتگان اختصاص دارد که متناسب با وظائف آنان مراسمی باید از طرف هر مزدپرست انجام پذیرد.

متن زیر که بنام سی‌روزه بزرگ نامگذاری شده درباره ستایش این ایزدان است. معمولاً این درود ستایش را برای آمرزش روان درگذشتگان در پایان ماه اول و ششم و دوازدهم پس از مرگ انجام میداده‌اند. این متن که به زبان پهلوی و خط آم‌دبیره است از کتاب زند خرده اوستا گرفته شده و ارواد بامانجی ناسروانجی ده‌بهار آنرا در سال ۱۹۲۷ میلادی با چند نسخه مقابله و بچاپ رسانیده و اینک نگارنده آنرا بفارسی برگردانیده است. واژه‌هایی که نیاز بشرح داشته در زیر نویس شرح آنها آمده و واژه‌هایی که در [] آمده برای روشن شدن مطلب افزوده شده است. لازم بیادآوری است که اصل این متن بزبان اوستائی و خط دین‌دبیره و بخشی از کتاب خرده اوستاست و شادروان پورداود ترجمه آنرا از متن اوستایی در کتاب خرده اوستا بچاپ رسانیده‌اند.

* * *

۱- اورمزد و ایومند. فره‌ومند را ستایم^۱. امهرسپندان^۲، ایزدان

* کله «را» پیش از «ستایم» در تمام بندها در متن پهلوی نیامده و برای روشن مطلب افزوده شده است.

۱- اورمزد که بصورت‌های اوهرمزد، هرمز، اهورامزدا... نیز آمده نام خدای بزرگ و یکتای ایرانیان باستانست و اولین روز هرماه بنام اوست. بنابراینچه در کتاب بندهش آمده گیاه مورد که همیشه سرسبز است به اهورامزدا اختصاص دارد.

فردوسی گوید (شاهنامه ۲۰۱۴/۷):

شب اورمزد آمد از ماه دی ز گفتن بیاسای و بردار می

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۵۹):

امروز اورمزد است ای یار میگسار برخیز و تازگی کن و آن جام باده آر

ای اورمزد روی بده روز اورمزد آن می که شادمان‌کندم اورمزد وار

نیک ، نیک کنش را ستایم .
 ۲- بهمن امهرسپند^۳ را ستایم . آشتی اماوند^۴ را ستایم [که] برتر

→

قطران گوید (دیوان ۴۸۶) :

به اورمزد مه تیر ای امید کرام نبی‌خوردن برخویشتن مدار حرام
 رایومند بمعنی باشکوه و فره‌مند یا فره‌مند بمعنی دارنده فروجلال صفت مخصوص
 اورمزد است .

زرتشت بهرام‌پژدو گوید (ارداویرافنامه منظوم ۲) :

جهاندار آفریننده به افزای نکویی بخش اوپژه داد فرمای
 رایومند ارجمند افزون و دیندار قوی و کامران بی جفت و بی یار
 ۲- امهرسپندان یا امشاسپندان ، امشاسفندان ، یکدسته از فرشتگان آئین مزدیسنی
 هستند که در اداره امور جهان یا اهورامزدا همکاری میکنند و تعداد آنان هفت و اهورامزدا
 در سرآنان قرارداد دارد ؛

زرتشت بهرام‌پژدو گوید (ارداویرافنامه منظوم ۹۲) :

زمن در دین و دنیا باد مقصود خدا و امشاسفندان جمله خشنود
 ۳- بهمن امهرسپند : نام دومین امشاسپند است که در جهان مینوی نمودار اندیشه نیک
 و خرد و دانایی و در جهان مادی نگاهبانی مخلوقات اهورامزدا سپرده اوست از کتاب بندهش
 چنین برمیآید که در میان گله‌ها، یاسمین سفید از آن بهمن است . پاسبانی روز دوم هر ماه و
 ماه یازدهم سال شمسی بعهده این فرشته است؛ بهمن روز از بهمن ماه را در زمان باستان جشنی
 می‌گرفتند که آنرا بهمنگان یا بهمنجنه می‌گفتند.

قطران گوید (دیوان ۴۹۱) :

ای بزم را چو بهرام وی جنگرا چو بهمن فرخنده باد بر تو فرخنده ماه بهمن
 مسعود سعد گوید (دیوان ۶۵۹) :

بهمن روز ای صنم دلستان بنشین با عاشق در بوستان

←

از دامان [است] اسنو خرد^۶ اورمزد داده را ستایم . گوشوسروت^۶ خرد
 اورمزد داده را ستایم .
 ۳- بهترین پرهیزگاری نیک امهرسپند^۷ را ستایم ائیرمن ایشیه^۸ را

→

۴- اماوند : نیرومند ، توانا، اینجا صفت برای فرشته آشنی و صلح است .

۵- اسنو خرد : خرد فطری .

۶- گوشوسروت خرد: خرد اکتسابی .

زرتشت بهرام بژدو این دو واژه را بصورت خرد آسن و سرودگوش بکار برده است :

خرد آسن و سرودگوش دادست در هربند بر مردم گشادست

ارداویرافنامه منظوم ۵

۷- منظور سومین امشاسپند است که اردیبهشت میباشد؛ این فرشته درجهان مینوی نمودار راستی، پاکی، تقدس ، پرهیزگاری و درجهان مادی نگاهبان کلیه آتشیهای روی زمین است . از بندهش چنین برمیآید که در میان گلها، گل مرزنگوش باین فرشته اختصاص دارد. پاسبانی ماه دوم سال شمسی و روز سوم حرماه بعد از این فرشته است . اردیبهشت روز از اردیبهشت ماه را در زمان باستان جشنی می گرفتند که آنرا اردیبهشتگان میگفتند .

زرتشت بهرام بژدو گوید (ارداویرافنامه منظوم ۴۳) :

دلم خرم شد و بشنیدم این کار از دور اردی بهشت آمد پدیدار

همی آمد جهان زو گشته بر نور برو کردم سلامی کامد از دور

جوابم داد و گفت آزار دارم ز تو از بهر آن گفتار دارم

هر آن آتش که در گیتی است یکسر بمن یزدان سپرد است او از ایدر

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۵۹) :

اردیبهشت روز است ای ماه دلستان امروز چون بهشت برین است بوستان

۸- ائیرمن ایشیه : نام نمازیست که انجام آن اهرمن و جادوان را براندازد و بهترین

کلام ایزدیست. در بندهش بزرگ ائیرمن ایزدیست که همه دردها از او درمان پذیرد . نك:

خرده اوستا پورداود ۱۵۵ .

- ستایم . نیروی اورمزد داده را ستایم . سوک^۹ بیه‌کامه دویسر اورمزد داده پاک را ستایم .
- ۴- خدای کامه (شهریور) امهرسپند^{۱۱} را ستایم . ایوکشوست^{۱۲} را ستایم . آمرزیداری و سراینیتاری^{۱۳} درویشان را ستایم .
- ۵- افزونی به ، بوندک مینشی^{۱۴} را ستایم . رادی بیه‌کامه دوربینده

۹- سوک بمعنی فرشته‌خوشی و صحت‌است و ازهای که در متن آمده «گیوک» هم خوانده میشود خاصه آنکه با واژه دویسر که پس از آن آمده تناسب دارد . گیوک نام کیومرث است که بعقیده ایرانیان باستان اولین انسان آفریده شده از طرف اهورامزدا بوده است در ترجمه اوستائی، این واژه بصورت (سوگانیک) آمده است .

۱۰- دویسر: بمعنی دوربیننده و نیز در بندهش بصورت سپید دویسر بمعنی دارنده چشم روشن برای کیومرث بکار رفته است .

۱۱- شهریور چهارمین امشاسپند است که در جهان مینوی نمودار قدرت و اقتدار و در جهان مادی نگاهبانی فلزات و سلطنت سپرده این ایزد است از بندهش چنین برمیآید که در میان گلها و گیاهان شاه اسپرم (ریحان) باین فرشته اختصاص دارد . نگاهبانی ماه ششم سال شمسی و روز چهارم هرماه بعهد اوست . شهریور روزاز شهریورماه را در زمان باستان جشنی میگرفتند که آنرا شهریورگان میگفتند .

فردوسی گوید (شاهنامه ۱۷۷۲/۶):

بشهریور بهمن از بشامداد جهاندار داراب را بار داد

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۵۶ و ۶۵۹):

شهریور است و گیتی از عدل شهریار شادست خیز و مایه شادی بر من آر

ای تنت را ز نیکویی زیور شهره روزیست روز شهریور

۱۲- ایوکشوست یا ایخست : فلزات .

۱۳- سراینیتاری : از مصدر سراینیش بمعنی پائیدن، نگاهبانی کردن .

۱۴- بوندک مینشی : کامل اندیشی . وصفت برای سپندارمذ یا سفندارمذ امشاسپند

است که از مهین فرشتگان آیین مزدیسنی و در جهان مینوی نمودار محبت و بردباری و تواضع

اورمزد داده پاک را ستایم .
 ۶- خرداد امهرسپند^{۱۵} را ستایم . سالهای خوب مانشی را ستایم .
 سال پاک، رد^{۱۶} پرهیزگاری را ستایم .

→

ودرجهان مادی نگاهبانی زمین سپرده اوست. از بندهش چنین برمیآید که گل بیدمشک باین فرشته اختصاص دارد نگاهبانی ماه دوازدهم سال شمسی و روز پنجم هرماه سپرده اوست. اسفندارمذ روز از اسفندارمذ ماه را در زمان باستان جشنی میکردند که آنرا اسپندادگان میگفتند .

مختاری گوید (دیوان ۷۵) :

بادِ عَمَر و مَلِك او چون مهر و آبان هوشین تا ز اسفندارمذمه ره بفروردین برند

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۰) :

سپندارمذ روز خبزی ای نگار سپند آر مارا و جام می آر

۱۵- خرداد، ششمین امشاسپند و درجهان مینوی نمودار کمال ورسائی ودر جهان

مادی نگاهبانی آب با اوست. از بندهش چنین برمیآید که میان گلهای گل سوسن باین فرشته تعلق دارد ، نگاهبانی تمام سوم سال شمسی و روز ششم ماه بهمه اوست؛ خردادروز از خرداد ماه را در زمان باستان جشنی میکردند که آنرا خردادگان میگفتند .

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۵۵ و ۶۶۰) :

زینت باغ ماه خرداد است گر بیاده گرابی از دادست

خردادروز داد نباشد که بامداد از لہو و خرمن بستانی ز باده داد

معزی گوید (دیوان ۱۶۷) :

همیشه تا هوا سردی و گرمی ز ماه بهمن و خرداد دارد

بنای عمر تو آباد داراد که عمرت دین و ملک آباد دارد

۱۶- رد: بزرگ، سرور ، پیشوا .

۷- امرداد امهرسپند^{۱۷} را ستایم . فشونش^{۱۸} رمه را ستایم .
افزونی یورتاکان^{۱۹} را ستایم . گوگرون^{۲۰} نیرومند اورمزد داده را [هوم
سپید] ستایم .

مهر فراخ چراگاه را ستایم . رامش خرم را ستایم^{۲۴} . پاکی
پهروم^{۲۱} و نیز آتش پسر اورمزد را ستایم^{۲۷} . برزخدای^{۲۲} نهان رویش
اپان ناپ^{۲۳} اروندهسپ^{۲۴} را ستایم . [و] نیز آب اهروب^{۲۵} اورمزد داده

۱۷- امرداد هفتمین امشاسپند و در جهان مینوی نمودار بیماری و در جهان مادی
نگاهبانی گیاه با اوست . از بندهش چنین برمیآید که در میان گلهای گل چمبک باین فرشته
اختصاص دارد. نگاهبانی ماه پنجم سال شمسی و روز هفتم هرماه سپرده اوست : امردادروز
از امردادماه در زمان باستان جشنی میکردند که آنرا امردادگان میگفتند .

فرخی گوید (دیوان ۴۳) :

تا به مرداد گرم گردد آب تا به دی ماه سرد گردد باد

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۰) :

روز مرداد مرده داد بدار که جهان شد بطبع باز جوان

۱۸- فشونش : از مهنش فشونش یعنی افزودن، آباد کردن، پروراندن .

۱۹- یورتاکان : غلات .

۲۰- گوگرون : نام درخت آفسانه ایست که نام دیگر آن هومسپیداست بنابراین در

بندهش بزرگ آمده این درخت در میان اقیانوس فراخ کرد روئیده شده و برای آنکه از آفات

آهریمنی در امان باشد ماهی گر نگاهبانی آنگماشته شده است .

۲۱- پهروم یا پهلووم : بهترین، عالی ترین .

۲۲- برز یا برج خدای : ایزدی است که آهارا از دریاها باقلیم ها پخش میکند .

۲۳- اپان ناپ : صورت اوستایی این واژه «اپام نپات» ایزد پخش کننده آبها. دارمستر

درزند اوستا ۴۳۲/۲ مینویسد اپام نپات نام برزاست .

۲۴- اروندهسپ یعنی دارنده اسب تندروست و در اینجا صفت برای ایزد برز آمده

۲۵- اهروب : پاك، پرهیزگار، مقدس

را ستایم .

۸- دادار^{۳۶} اورمزد رایومند پاك را ستایم . امهرسپندان ، ایزدان

نيك نيك کنش را ستایم .

۹- آتش^{۳۷} پسر اورمزد را ستایم . خور^{۳۸} اورمزد داده را ستایم .

۲۶- روزهای هشتم و یازدهم و بیست و سوم هرماه شمس مانند نخستین روز باسم

اورمزد یا اهورامزداست ولی این روزها را بصفت « دئوش » در فارسی بصورت « دی » بمعنی آفریننده بکار میبرند و برای امتیاز هر يك از روزها بنام بعدش او را نسبت داده اند.

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۱) :

روز دی است خیز و بیار ای نگار می ای ترک می بیار که ترکی گرفت دی

۲۷- آذریا آتش، از ایران بزرگ آئین مزدیسنی و بسبب علوم مقام او در اوستا غالباً پسر اهورا

مزدا خوانده شده است بنا بر آنچه دو بندهش آمده گل آذرگون باین فرشته اختصاص دارد نگهبانی ماه نهم سال شمسی و روز نهم هر ماه باین فرشته سپرده شده است، آذرو روز از آذرماه را در زمان باستان جشنی میکردند که آنرا آذرگان میگفتند .

مختاری گوید (دیوان ۲۴۹) :

گر نیست آب نقش پذیرنده پس چرا هر باعداد نقش کند باد آذرش

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۱) فی و مطالعات فرنگی

ای خرامنده سرو تابان ماه روز آذر می چو آذر خواه

۲۸- خور با خره یا فَرّ فرغی است ایزدی بدل هر که بشابد از همگنان برتری

یابد و شایسته پادشاهی یا پیامبری گردد در اوستا از دوفر صحبت شده یکی فَرّ ایرانی که از ستور و رمه و ثروت و شکوه برخوردار و در هم شکننده غیر ایرانی است . و دیگر فَرّ

کیانی است که بنوبه نصیب ناموران و پادشاهان میشود . نک: بشتها پورداود ۳۰۹/۱ .

فردوسی گوید (شاهنامه ۲۷/۱) :

همی کاست زو فَرّ ایزدی بر آورده بر وی شکوه بدی

زرتشت بهرام پژدو گوید (ارداویرافنامه منظوم ۱۵ و ۲۷) :

پس از نور خرّه کن چون فرشته ز پاکی و ز ورج و فَرّ سرشته

بدو یزدان ز خوره در گشاید همه راز نهان او را نماید

چیر خور کیان اورمزد داده را ستایم . آتش پسر اورمزد را ستایم .
 کی سروب^{۲۹} را ستایم و ر^{۳۰} خسرو را ستایم . اسنوندگر^{۳۱} اورمزد داده
 را ستایم . چیچست^{۳۲} ور اورمزد داده را ستایم . چیر خور کیان اورمزد
 داده را ستایم . آتش پسر اورمزد را ستایم . ریوندگر^{۳۳} اورمزد داده را
 ستایم . چیر خور کیان اورمزد داده را ستایم . آتش پسر اورمزد را
 ستایم . آتش افزونی^{۳۴} ارتشتار را ستایم . ایزد پرفره^{۳۵} را ستایم . ایزد
 بیشیزینیتار^{۳۶} را ستایم . [آتش دارای] آتش پسر او هر مزد را ستایم همه
 آتشان^{۳۷} را ستایم . خدای ناف نریوسنگ^{۳۸} ایزد را ستایم .

- ۲۹- کی سروب : مراد کب خسرو است که بمعنیه مزدبسان از جاودانیانست و در آخر
 الزمان با سوشیانس همکاری خواهد کرد .
- ۳۰- ور: معانی گوناگون دارد در اینجا مراد دریاست .
- ۳۱- گر: بمعنی کوه آمده و اسنوندگر بنا بمندرجات بندهش در آذربایجانست که
 کبخسرو آتشکده آذرگشسب را در آنجا بنا نهاده است .
- ۳۲- چیچست : نام دریاچه رضائیه است .
- ۳۳- ریوندگر : نام کوهی است در خراسان و بنا بمندرجات بندهش بر فراز آن آتشکده
 برزین مهر برپا بوده است .
- ۳۴- مراد آتشکده آذرگشسب است که محل آن در آذربایجان و بطبقه سیاهیان
 اختصاص داشته است .
- ۳۵- پرفره : لقب ستاره پارت است .
- ۳۶- بیشیزینیتار : شفادهنده ، درمان بخش .
- ۳۷- آتشان : آتشکده ها .
- ۳۸- نریوسنگ: ایزدبست که بیک خدایی سپرده است . واژه «خدای ناف» که بمعنی
 «خدای دودمان» است صفت برای اوست در خرده اوستا پورداود ۱۳۲ آمده معنی سنتی
 این واژه: آتشی است که در ناف یا بعبارت دیگر در پشت و صلب پادشاه متمرکز دارد .

۱- آب^{۳۹} به اورمزد داده پاک را ستایم . اردویسور^{۴۰} آب خوب
 رُست پاک را ستایم . همه آبهای اورمزد داده پاک را ستایم . همه گیاهان
 اورمزد داده پاک را ستایم .
 ۱۱- خورشید^{۴۱} بمرگ رایومند آروندسپ^{۴۲} را ستایم .

۳۹- آبان نام فرشته آب که در اوستا بهمین صورت از آن یاد شده است نام دیگر فرشته
 آب ناهید و نام دیگر آن ایم نیات است . نگهبانی ماه هشتم سال شمسی و روز دهم هر ماه باین
 فرشته سپرده شده است . آبان روز از آبانماه^{۴۳} در زمان باستان جشنی می گرفتند که آنرا آبانگان
 می گفتند .

قطران گوید (دیوان ۲۷۳) :

الا تا ازمه تابان بفرساید همی کتان الا تا ازمه آبان بیفزاید همی بستان
 بداندیش تو کتان باد و تیغ تو مه تابان نکوخواه تو بستان باد و دست تو مه آبان
 مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۱) :

آبان روز است روز آبان خرم گردان باب رز جان

۴۰- مراد از اردویسور که در متن پهلوی بصورت ارکدویسور آمده، اردویسور ناهیتا

با ناهید فرشته آبست .
 رتال جامع علوم انسانی

۴۱- خورشید: نام یکی از ایزدان آئین مزدیسنی است که در بخشهای اوستا از آن
 سخن رفته و غالباً با صفات جاودانی، شکوه ننداسب نامیده شده در بندهش آمده: وقتی که
 کیومرث از جهان درگذشت نطفه اش بکره خورشید انتقال یافت تا در آنجا پاک گشته و محفوظ
 بماند. نگاهبانی روز یازدهم هر ماه سپرده این فرشته میباشد از بندهش چنین برمیآید
 که گل مرو سفید بخورشید اختصاص دارد .

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۱) :

روز خوراست ای بدورخ همچو خور تافت خور از چرخ فلک باده خور

- ۱۲- ماه گوسفند تخمه^{۴۲} را ستایم . فر و هر^{۴۳} (و) روان گاو ایوکدات^{۴۴} را ستایم . فر و هر سرده^{۴۵} های گوسفند را ستایم .
 ۱۳- تشر^{۴۶} ، ستاره رایومند فرهومند را ستایم . ستویس^{۴۷} فراز

۴۲- ماه: از ایزدان آیین مزدیسنی و دربخشهای اوستا غالباً تشکیل دهنده تخمه و نژاد سنوران نامیده شده است. نگاهبانی روزدوازدهم هر ماه سپرده این فرشته است. در بندهش چنین آمده که: نخستین آفریده اهورامزدا گاوورزا بود. اهریمن دیو آز و رنج و گرسنگی و ناخوشی را برای آزار او گماشت و رزا از آسیب دیو، لاغر و ناتوان گردید تا آنکه جانسپرد در هنگام مردن از هر یک از اعضایش ۵۵ قسم از حیوانات و ۱۲ قسم گیاه درمان بخش بوجود آمد آنچه از نطفه آن پاک و توانا بود به کرمه ماه انتقال یافت...

گیاه (لك) که دارای گل‌های زرد رنگی است بنا بنوشته بندهش باین فرشته اختصاص دارد .

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۲) :

ماه روز ای بروی خوب چو ماه باده لعل مشکبوی بخواه
 گشت روشن چو ماه بزم که گشت نام این روز ماه و روی تو ماه

۴۳- فر و هر: یکی از نیروهای باطنی که بعقیده ایرانیان باستان برای تمام موجودات وجود دارد این نیرو پیش از بوجود آمدن وجود داشته و پس از مرگ نیز باقی خواهد ماند .
 فر و هر پاکان و پرهیزگاران از یاران ایزدان هستند .

زرتشت بهرام پژدو گوید (ارداویرافنامه منظوم ۱۱) :

سروش پاک بر ما پاسبان کن فر و هر اشوان مهربان کن

۴۴- گاوا یوکدات: اولین گاوی که اهورامزدا آفرید .

۴۵- سرده: انواع .

۴۶- تشر یا تیر: فرشته باران است و آنرا میکائیل سامی میدانند و در بعضی از فرهنگهای فارسی بغلط آنرا بشر ضبط کرده‌اند. در اوستا از چهار ستاره بنامهای تشر ، ستویس ، هفتورنگ ، و نند صحبت شده است. در بندهش تشر سپاهید خورآسان

آب نیرومند اورمزد داده را ستایم . همه ستارگانِ آبِ چهر^{۴۸} را ستایم .
 همه ستارگان زمین چهر را ستایم^{۴۹} .
 همه ستارگان گیاه چهر^{۵۰} را ستایم . و نند^{۵۱} ستاره اورمزد داده را ستایم .

→ نامیده شده در مینوی خرد اولین ستاره بزرگ و ارجمند پادشاه است در بندهش از ستیز و بیکاری که میان تشر فرشته باران و اپوش دیو خشکی درمیگیرد و سرانجام به پیروزی تشر پایان می‌پذیرد سخن بهمان آمده است در تیریش ازین فرشته و ستارگانی که با او همکاری دارند صحبت شده است . نگهبانی ماه چهارم سال شمسی و روز سیزدهم هرماه باین ایزد سپرده شده است . تیر روز از تیرماه را در زمان باستان جستی میگرفتند که آنرا تیرگان میگفتند .

دقیقی گوید (لغت فرسی ۱۵۲) :

بشتر (تشر) رادخوانمت شرکست او چو نو کسی بود بگاہ عطا

منوچهری گوید (دیوان ۲۱۳) :

تا وقت مهرگان همه گیتی چو زر بود از آب تیرماهی و از باد مهرگان

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۲) :

ای بنگار تیر بالا روز تیر خیز و جام پاده ده بر لحن زیر

۴۷- ستویس : نام دومین ستاره است که از باران تشر است در بندهش ستویس

سپاهبد خوروران (مغرب) نوشته شده است .

۴۸- چهر : بمعنی تخمه و نژاد است . در اینجا مقصود ستارگانی است که به باران

ارتباط دارند .

۴۹- مقصود ستارگانی است که با زمین ارتباط دارند .

۵۰- مقصود ستارگانی است که با گیاهان ارتباط دارند .

۵۱- و نند نام چهارمین ستاره است که در اوستا از آن صحبت شده و از باران تشر است

در بندهش و نند سپاهبد نیمروز (جنوب) نوشته شده است در مینوی خرد آمده : و نند

برای محافظت دروازه و گلر البرز گماشته شده است .

- همه این ستارگان را ستایم . هفتورنگ^{۵۲} اورمزد داده فره‌ومند
 بیشیزینیتار^{۳۶} که بازنگاهدارنده جادوان و پریان [است] .
 ۱۴- گوسفند^{۵۳} نیک روان را ستایم دروسپ^{۵۴} نیرومند اورمزد
 داده پاك را ستایم .
 ۱۵- دادار^{۵۵} اورمزد رایومند فره‌مند را ستایم . امهرسپندان ،
 ایزدان نیک نیک کنش را ستایم .
 ۱۶- مهر فراخ چراگاه^{۵۶} ، هزارگوش بیور^{۵۷} چشم گفت نام ایزد را

۵۲- هفتورنگ : نام سومین ستاره ایست که در اوستا از آن صحبت شده و از باران
 تشریست . دانشمندان این ستاره را بنسبات النعلی یا هفت برادران دانسته‌اند . در بندهش
 هفتورنگ سپاهبد شمال نوشته شده است . در آیین مزدیسنا شمال جای دیوان و اهریمنان
 است بدین سبب وظیفه هفتورنگ دشوارتر می‌نماید .

۵۳- مرادگوش یا گوشورون فرشته نگهبان چهارپایانست که در بخشهای اوستا بدان
 درود فرستاده شده است نگهبانی روز چهاردهم هرماه سپرده این فرشته است .
 مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۲) *شکوه علم انبانی و مطالعات فریبکی*

گوش روز ای نگار مشکین خصال ارگوش بریط بگیر و نیک بمال

۵۴- دروسپ : فرشته محافظ چهارپایان است . که همان گوش میباشد .

۵۵- نك: توضیحات شماره ۲۶ . در اینجا مراد فرشته نگهبان روز پانزدهم ماه است .
 مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۲) :

دی بمهرست مهربانی کن کز همه چیز مهربانی به

۵۶- مهر: نام یکی از بزرگترین ایزدان آئین مزدیسنی و نمودار راستی و دلیری و
 نابودکننده پیمان شکنان و دروغ گویانست ، نگهبانی ماه هفتم سال شمسی و روز شانزدهم
 هرماه باین ایزد سپرده شده است . مهر روزاز مهرماه را در ایران باستان جشنی می‌گرفتند
 که آنرا مهرگان می‌گفتند .

- ستایم . رامش خرم را ستایم .
 ۱۷- سروش^{۵۸} پاک خوب رست پیروزگر جهان افزای پاک و
 پرهیزگاری را ستایم .
 ۱۸- رشن^{۵۹} راست را ستایم . آشتات^{۷۷} جهان افزای ، والش^{۶۰}

→ مختاری گوید (دیوان ۲۴۸) :

شاخی که دایه بودی مهر منورش بی مهروار کرد مه مهر لاغرش
 مسعودسعد گوید (دیوان ۶۶۲) :

روز مهر و ماه مهر و جشن فرخ مهرگان مهر بغزای ای نگار مهر چهر مهربان
 ۵۷- بیور: ده هزار .

۵۸- سروش: یکی از بزرگترین ایزدان آیین مزدیسنی و نمودار اطاعت و فرمانبرداری
 است در اوستا آمده : سروش نخستین کسی است که ستایش اورمزدرا بجای آورد. این
 فرشته در نوشته های فارسی با جبرئیل برابر دانسته شده است . نگهبانی روز هفدهم هر
 ماه شمسی سپرده این فرشته است .

فردوسی گوید (فرهنگ جهانگیری ۱۰۲۴) :

همیشه سروشت بروز سروش نگهبان و افزون ترت رای وهوش

مسعودسعد گوید (دیوان ۶۶۳) :

روز سروشت که گوید سروش خورده خورده نغمه مطرب نبوش

زرتشت بهرام پژدو گوید (ارداویرافنامه منظوم ۲۳) :

چنین گفت آنکهی اردای ویراف که چون خوردم سه جام باده صاف

شدم در خواب و از من هوش شد دور سروش آمد بسان عالمی نور

۵۹- رشن : یکی از ایزدان آیین مزدیسنی و از باران مهر و سروش است . نگهبانی روز

هیجدهم هر ماه سپرده اوست .

زرتشت بهرام پژدو گوید (ارداویرافنامه منظوم ۲۷) :

بدیدم مهر ایزد را بدانجای ترازو بد بدست و رشن برپای

مسعودسعد گوید (دیوان ۶۶۲) :

روز رشن است ای نگار دلربای شاد بنشین و بجام می گرای

۶۰- والش: از مصدر والیثن بمعنی بالیدن، پروراندن صفت برای ایزداشتات است .

جهان‌افزای را ستایم سخن راست‌گفتار که [مایه] افزونی جهان [است] ستایم .

۱۹- فروهر پاکان، بهان، توانایان، افزونیان^{۶۱} را ستایم .

۲۰- اماوندی^{۶۲} هتخش^{۶۲} خوب‌رست را ستایم . پیروزگر^{۶۳} اورمزد

داده‌را ستایم (بهرام ایزد) . پیروزمندی به‌بررفتن را ستایم .

۲۱- رامش^{۶۴} خرم‌را ستایم . وای^{۶۵} پاک‌را ستایم . وای^{۶۶} آپرکار^{۶۶} را

۶۱- افزونیان: افزونی بخشدگان ، لقب امشاسبندانست ، در اینجا مراد فروردین

فرشته نگهبان فروهر است که نگهبانی روز نوزدهم هرمه و ماه اول سال شمس سپرده

اوست . مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۴) :

فروردینست و روز فروردین شادی و طرب همی کند تلقین

۶۲- هتخش: صنعتگر ، هنرمند .

زرتشت بهرام بژدو گوید (ارداویرافنامه منظوم ۱۰۳) :

همه درکار خود کوشا و تخشان بهر پیشه یکی ز آن قوم هتخشان

۶۳- مراد ایزد بهرام است که فرشته پیروزی و فتح و نصرت و در مقام برابر با

سروش است نگهبانی روز بیستم هرمه و ماه اول سال شمس است . در بندهش گیاه سیسنبهر
باین فرشته اختصاص داده شده است .

زرتشت بهرام بژدو گوید (ارداویرافنامه منظوم ۱۱) :

به بهرام ایزدت فرمای دادار که مارا باشد از بدها نگهدار

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۴) :

ای روی تو بخوبی افزون ز مهر و ماه بهرام روز باده بهرام رنگ خواه

۶۴- مراد ایزد درام است که یکی از فرشتگان آئین مزدیسنی است . دارمستتر بنقل

از بندهش بزرگ او را فرشته هوا بادمیکند . در اوستا فرشته هوا و ابو آمده است از بندهش

ستایم . همچون تو وای پیروز شونده از همه دامن را ستایم . که تویی
سپناک مینوگ^{۶۷} و خود اوبی، نواش^{۶۸} نیک کنش را ستایم و زروان^{۶۹}
بی کرانه را ستایم . زروان درنگ خدای را ستایم .
۲۲- بادافزونی^{۷۰} نیک کنش را ستایم . [باد] زیر را ستایم [باد] بالا را

چنین برمیآید که گل خیری زرد باین فرشته اختصاص دارد، فرشته رام بیشتر با مهر
آمده است . نگهبانی روز بیست و یکم هرماه سپرده اوست .
سمودسعد گوید (دیوان ۶۶۴) :

رام روز است سخت و دولت رام ای دلارام خیز و در ده جام
فخری گرگانی گوید (ویس و رامین ۲۷۵):

بشادی روز رام و روز شنید فرود آمد بلشکرگاه موبد

۶۵- «وای»، صورت دیگر واژه «ویو» فرشته هواست از رام پشت چنین برمیآید که
«ویو» عبارت از هوا یا حوی است که آفرینش خرد پاک را از مخلوقات خرد ناپاک جدا میسازد.
۶۶- وای پرکار: مراد هوایی است که در بالا قرار دارد. در بندهش آمده: در قسمت زیرین
این جو فروغ جاودانی است که جایگاه اهورامزداست و در قسمت زیرین ظلمت ابدی است
که جایگاه اهریمن است هوا در میان این دو منطقه نورانی و ظلمانی قرار دارد بنابراین هوای
مجاور عالم مینوی پاک و مقدس است

۶۷- سپناک مینوگ: خرد مینوی م انسان

۶۸- نواش: مکان، جا . در اینجا مراد ایزد مکانست .

۶۹- زوروان: زمان، در اینجا مراد ایزد زمانست و اکرن بمعنی بی کرانه و درنگ خدای
صفات است که باو داده شده است. در دوره ساسانیان فرقه خاصی بنام زروانیه بوده اند
که عقیده داشته اند اهورامزدا و اهریمن هر دو از زروان پدید آمده اند .

۷۰- باد: نام ایزد باد است . در بندهش بادرنگبوی گیاه مخصوص ایزد باد است، نگهبانی

روز بیست و دوم هرماه سپرده این ایزدست .

سمودسعد گوید (دیوان ۶۶۴) :

چون باد روز روز نشاط آمد ای نگار شادی فزای هین و بده باده و بیار

- ستایم [باد] پیش را ستایم . [باد] پس را ستایم . دلیری مردمان را ستایم .
 ۲۳- دادار^{۷۱} اورمزد رایومند فرهومند را ستایم . امهرسپندان ،
 ایزدان نیک نیک کنش را ستایم .
 ۲۴- رستک^{۷۲} فرزانه اورمزد داده پاك را ستایم . دین^{۷۳} به
 مزدیسنان را ستایم .
 ۲۵- اهریشونگ^{۷۴} به را ستایم که روشن و بلند و اماوند^{۷۵} و خوب

۷۱- نك: توضیحات شماره ۲۶ . در اینجا مراد فرشته ایست که نگهبانی روز بیست و سوم
 هرماه سپرده اوست .

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۵) :

دی بدین است و دین مرد خورد آن شناسم که لعل باده خورد

۷۲- رستک یا رزستک بمعنی راست و صفت برای چیستا فرشته دانش و علم است .

۷۳- دین : نام ایزد بیست که نگاهبانی روز بیست و چهارم هرماه سپرده اوست . در

اوستا دین معانی گوناگون دارد در ارت پشته آمده: اهورامزدا پدر ایزد ارت، سفندارمه
 مادر وی، سروش و رشن و مهر برادران و دین مزدیسنا خواهر او میباشد. در بندهش گل
 سرخ بایزد دین اختصاص دارد.

زرتشت بهرام بزدو گوید (ارداویرافنامه منظوم ۱۰۵) :

خور دین یزدان باد فیروز شکسته باد دروند جهانسوز

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۵) :

دین روز ای روی تو آگفت دین می خور و شادی کن و خرم نشین

۷۴- اهریشونگ یا ارششونگ یا ارد، فرشته بخشایش و توانگریست و دو جهان مادی

نگهبان ثروت و دارائی است . از بندهش چنین برمیآید که میان گلها اقسام بهار به ایزد ارت
 اختصاص دارد . نگهبانی روز بیست و پنجم هرماه سپرده این ایزد است .

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۵) :

ارد روزست فرخ و میمون با همه لهو و خرمی مقرون

رست و بی آزار است]. خور^{۲۸} اورمزد داده را ستایم . سود اورمزد داده را ستایم . پارت^{۷۵}، ردِ روائی را ستایم . خورِ ایران^{۲۸} اورمزد داده را ستایم . چیرِ خورکیان^{۲۸} اورمزد داده را ستایم . چیرِ خور هیربد^{۲۸} اورمزد داده را ستایم . خورِ زردشت^{۷۶} اورمزد داده را ستایم .

۲۶- اشثات^{۷۷} افزایش بخشنده جهان را ستایم . گرِ اوشدشتار^{۷۸} اورمزد داده پاکی خواری^{۷۹} ایزد را ستایم .

۲۷- آسمان^{۸۰} نیک کردار را ستایم آن پهروم^{۲۱} جهانِ پاکان روشن همه خواری^{۷۹} را ستایم .

۷۵- پارتند: از یاران ایزد آرد با امریشونگ است .

۷۶- در بهرام یشت آمده: فرشته پیروزی در کالبد باد تندی بسوی زردشت بوزید و باو فر نیک مزد داده ارزانی داشت .

۷۷- اشثات یا اشثاد: از فرشتگان آیین مزدیسنی و غالباً با رشن یکجا آمده است نگاهبانی روز بیست و هشتم هر ماه سپرده و این ایزد است.

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۶) :
اشثاد روز و تازه زگل بوستان ایدوست می ستان ز کف دوستان

۷۸- گراوشدشتار : نام کوهی است در سیستان .

۷۹- خواری: آسانی سادگی .

۸۰- آسمان : نام ایزد بیست که نگاهبانی سپهر بعهدۀ اوست در بندش یک قسم گیاه نعناع بایزد آسمان اختصاص دارد. نگاهبانی روز بیست و هفتم هر ماه سپرده این ایزد است.

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۶) :

آسمان روز ای چو ماه آسمان باده نوش و دار دلرا شادمان

۲۸- زمین ایزد نیک کنش را ستایم^{۸۱}. جاهای آن، روستاها را ستایم. گر اوشدشتار^{۷۸} اورمزد داده پاکی، خواری ایزد را ستایم. همه گره های اهرائی، خواری و پر خواری اورمزد داده اهروب^{۲۵} را ستایم. چیر خور^{۷۹} کیان^{۲۸} اورمزد داده را ستایم. چیر خور^{۸۰} هیربد اورمزد داده را ستایم. ۲۹- مانسر سپند^{۸۲} بسیار فر را ستایم. داد^{۸۳} جدیو^{۸۳} را ستایم. داد^{۸۴} زردشت را ستایم. روش کهن^{۸۴} را ستایم. دین به مزدیسنان را ستایم. روادهشی مانسر سپند را ستایم. هوشداشتاری^{۸۵} دین مزدیسنان را ستایم. آگاهی مانسر سپند را ستایم. اسنو خرد^{۸۵} اورمزد داده را ستایم.

۸۱- زمین: در نوشته های اوستائی بصورت زامیاد یا زمیاد آمده و در اینجا مراد فرشته ایست که نگاهبان خاکست. در بندهش گل زعفران گیاه مخصوص زامیاد نوشته شده. نگهبانی روز بیست و هشتم هر ماه بمهده این ایزدست.

مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۶):

چون روز زامیاد نیاری ز می تو یاد زیرا که خوشتر آید می روز زامیاد

۸۲- مانسر سپند بصورت دیگر واژه مارا سپند یا مهر اسپند است که فرشته کلام ایزدی است، نگاهبانی روز بیست و نهم هر ماه سپرده این ایزد است. مسعود سعد گوید (دیوان ۶۶۶):

ای دلارام روز مارا سپند دست بی جام لعل می میسند

۸۳- جُد: ضد، غیر و جُد دین بمعنی بیدین، مراد غیر بهدینان است.

زرتشت بهرام پزدو گوید (ارداویرافنامه منظوم ۹۱):

چو کردی با کسی تو عهد و پیمان چه با بهدین چه با جُد دین یکی دان

در اینجا مفهوم چنین است: داد و قانون ضد دیورا ستایم.

۸۴- نام فرشته سنت کهن در اوستا «اوپین» آمده است.

۸۵- هوشداشتاری: باهوشی، ادراک، هوشیاری.

- گوشوسروت خرد اورمزد داده را ستایم .
 ۳۰- آن اسر روشنی^{۸۶} خدای را ستایم . گروتمان^{۸۷} روشن را
 ستایم . همیشه سودگاه خدای را ستایم^{۸۸} . چینودپل^{۸۹} اورمزد داده را ستایم .
 ۳۱- برزخدای^{۲۲} نهان روش ایان ناپ^{۲۴} ارونسپ^{۲۴} را ستایم .
 ۳۲- هوم^{۲۰} زرین بلند را ستایم . هوم فراشم^{۹۰} فزاینده جهان را

۸۶- آسر روشنی: نور مطلق، نام جهان اهورامزدا، آسمان هفتم که در اصطلاح انیران
 یا انفران گفته میشود . انیران فرشته نگهبان روز سیام هر ماه است .

مسمودسعد گوید (دیوان ۶۶۷) :

انیران ز پیران شنیدم چنان که می خورد باید برطل گران
 فردوسی گوید (فرهنگ جهانگیری ۱۷۶۴) :

خجسته همیشه انیران تو بشادی جوانان و پیران تو
 ۸۷- گروتمان یا گرزمان : طبقه آخر بهشت ، جایگاه اورمزد .

زرتشت بهرام پژدو گوید (دیوان ۱۵ و ۹۴) :

گرازان در گروتمان با فر وهر رسیده با همه شادی مرا بهر
 بر آوردند و بردندم گروتمان برستم من ز جور آن دمنشان

۸۸- مراد همیستکان است و آن در جهان دیگر جایگاه کسانی است که نیکی و بدی

آنها در اینجهان برابر است .

زرتشت بهرام پژدو گوید (ارداویرافنامه منظوم ۳۹) :

۸۹- چینودپل : پل صراط پلی که برای آزمایش روان درگذشتگان افرشته شده است

در سر این پل کردار نیک از بد شناخته میشود .

زرتشت بهرام پژدو گوید (ارداویرافنامه منظوم ۲۷) :

سروش آنجا گرفتم دست چون گل از آنجا برد سوی چینود پل

۹۰- فراشم : مفرح، شادی بخش .

ستایم . هوم دروش^{۹۱} را ستایم .

۳۳- دهمان^{۹۲} نیکان آفرین را ستایم . چیر تکیک^{۹۳} دهم پرمینش

ایزد را ستایم . همه ایزدان پاک مینوی را ستایم^{۹۴} . همه ایزدان پاک جهانی

را ستایم^{۹۵} . فر وهر اهروبان ، نیکان ، برومندان ، افرونیان را ستایم .

کو وکرو وکرو

(1) کو وکرو : کو وکرو و کو وکرو

کو وکرو و کو وکرو : کو وکرو و کو وکرو

(2) کو وکرو : کو وکرو و کو وکرو

کو وکرو : کو وکرو و کو وکرو

کو وکرو : کو وکرو و کو وکرو

کو وکرو

(3) کو وکرو : کو وکرو و کو وکرو

کو وکرو : کو وکرو و کو وکرو

کو وکرو : کو وکرو و کو وکرو

کو وکرو

۹۱- دروش: دوردارنده مرگه، لقب برای گیاه هوم .

۹۲- دهمان: پارسایان ، نیکوکاران . دهمان آفرین، فرشته آفرین و دروداست .

۹۳- تکیک : دلیر .

۹۴- ایزدان مینوی : امشاسپندان و ایزدان هستند که اهورامزدا در راس آنها قرار

دارد .

۹۵- ایزدان جهانی : پاکان و پرهیزگاران هستند که زردشت در راس آنها قرار

دارد .

(4) 'غالب' و [۱۴۱۳۲] 'اقتصاد' 'غالب'
 'اقتصاد' 'غالب' 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد'
 'اقتصاد' 'اقتصاد'

(5) 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد'
 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد'
 (6) 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد'
 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد'

(7) 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد'
 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد'
 'اقتصاد' ['اقتصاد']

'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد'
 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد'
 'اقتصاد'

'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد'
 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد'
 (8) 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد'

'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد'
 (9) 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد'
 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد'
 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد'
 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد' 'اقتصاد'

۱۰۲۷
 ۱۰۲۸
 ۱۰۲۹
 ۱۰۳۰
 ۱۰۳۱
 ۱۰۳۲
 ۱۰۳۳
 ۱۰۳۴
 ۱۰۳۵
 ۱۰۳۶
 ۱۰۳۷
 ۱۰۳۸
 ۱۰۳۹
 ۱۰۴۰
 ۱۰۴۱
 ۱۰۴۲
 ۱۰۴۳
 ۱۰۴۴
 ۱۰۴۵
 ۱۰۴۶
 ۱۰۴۷
 ۱۰۴۸
 ۱۰۴۹
 ۱۰۵۰
 ۱۰۵۱
 ۱۰۵۲
 ۱۰۵۳
 ۱۰۵۴
 ۱۰۵۵
 ۱۰۵۶
 ۱۰۵۷
 ۱۰۵۸
 ۱۰۵۹
 ۱۰۶۰
 ۱۰۶۱
 ۱۰۶۲
 ۱۰۶۳
 ۱۰۶۴
 ۱۰۶۵
 ۱۰۶۶
 ۱۰۶۷
 ۱۰۶۸
 ۱۰۶۹
 ۱۰۷۰
 ۱۰۷۱
 ۱۰۷۲
 ۱۰۷۳
 ۱۰۷۴
 ۱۰۷۵
 ۱۰۷۶
 ۱۰۷۷
 ۱۰۷۸
 ۱۰۷۹
 ۱۰۸۰
 ۱۰۸۱
 ۱۰۸۲
 ۱۰۸۳
 ۱۰۸۴
 ۱۰۸۵
 ۱۰۸۶
 ۱۰۸۷
 ۱۰۸۸
 ۱۰۸۹
 ۱۰۹۰
 ۱۰۹۱
 ۱۰۹۲
 ۱۰۹۳
 ۱۰۹۴
 ۱۰۹۵
 ۱۰۹۶
 ۱۰۹۷
 ۱۰۹۸
 ۱۰۹۹
 ۱۱۰۰

(10) ...
 ...
 ...
 ...
 ...

(11) ...
 ...
 ...

(12) ...
 ...
 ...

(13) ...
 ...
 ...
 ...

دگرگونگی "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها
 در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها
 در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها
 در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها

(14) در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها
 در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها

(15) در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها
 در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها

(16) در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها
 در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها

(17) در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها
 در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها

(18) در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها
 در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها

(19) در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها
 در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها

(20) در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها
 در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها

در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها
 در لغت‌نامه‌ها "یا" و "و" در لغت‌نامه‌ها

(21) 'بہارِ گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔

'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔ 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔
'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔ 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔
'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔ 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔

(22) 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔

'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔ 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔
'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔ 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔

(23) 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔

'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔ 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔
'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔ 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔

(24) 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔

'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔ 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔
'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔ 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔

(25) 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔

'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔ 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔
'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔ 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔

'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔ 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔

(26) 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔

'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔ 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔
'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔ 'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔

'گلستاں' کے نام سے مشہور ہوئے۔

(33) ۱۰۲۱ ۱۰۲۱ ۱۰۲۱ ۱۰۲۱ ۱۰۲۱
 ۱۰۲۱ ۱۰۲۱ ۱۰۲۱ ۱۰۲۱ ۱۰۲۱
 ۱۰۲۱ ۱۰۲۱ ۱۰۲۱ ۱۰۲۱ ۱۰۲۱
 ۱۰۲۱ ۱۰۲۱ ۱۰۲۱ ۱۰۲۱ ۱۰۲۱
 ۱۰۲۱ ۱۰۲۱ ۱۰۲۱ ۱۰۲۱ ۱۰۲۱



شکوه علم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۱۰۲۱ ۱۰۲۱ ۱۰۲۱

† MSS.: U₁, Mf₂, AK, E.

1. (1) U₁, Mf₂ add (2) U₁, Mf₂ om. (3) Mf₂ ; U₁ om.
2. (1) U₁, Mf₂ add (2) Mf₂ (3) U₁, Mf₂ (4) Mf₂ ; U₁ om (5) Corrected : U₁-AK ; Mf₂

۱۴ v ۱۵ ; E add (6) Mf₂ add ; U₁, Mf₂ add
 (7) Mf₂ (8) Mf₂ (9) Mf₂ ; U₁
 om. last 5 words.

3. (1) U₁, Mf₂ for first 5 words (2) U₁ ; Mf₂
 (3) Mf₂ (4) Mf₂ (5) Mf₂
 (6) U₁ ; Mf₂.

4. (1) U₁, Mf₂ om. first 2 words. (2) U₁ ; Mf₂
 (3) Mf₂ (4) U₁ ; Mf₂
 (5) Mf₂ (6) U₁ ; Mf₂ (7) U₁,
 Mf₂ (8) U₁ ; Mf₂.

5. (1) U₁ ; Mf₂ (2) AK, E and
 add (3) Mf₂ ; U₁ (4) U₁, Mf₂ (5) U₁,
 Mf₂ (6) AK, E om. (7) Mf₂.

6. (1) U₁ ; Mf₂ (2) Mf₂ (3)
 U₁, Mf₂ ; AK, E pref v (4) So E; AK ;
 Mf₂ ; U₁ (5) Mf₂ ; U₁ (6) U₁, Mf₂
 (7) Mf₂ (8) E adds on margin.

7. (1) U₁ ; Mf₂ (2) Mf₂
 (3) U₁, Mf₂ (4) U₁, Mf₂ (5) U₁ (6)
 U₁, Mf₂ om. gloss. (7) U₁, Mf₂ om. rest of the para from here
 with the remarks :—

(a) Mf₂
 (8) E (9) AK for last 2 words. 10) AK
 (11) E om. (12) U₁.

8. (1) U₁ pref. (2) U₁, Mf₂ om. (3) U₁, Mf₂ (4)
 Mf₂ ; U₁ (5) AK ; U₁, Mf₂ (6) AK, U₁

9. (1) Mf_2 ہے۔ (2) Mf_2 کے لئے (3) AK کے لئے (4) AK کے لئے؛ Mf_2 ہے۔؛ U_1 , Mf_2 add ... (5) Mf_2 کے لئے (6) U_1 , Mf_2 om. ... (7) Corrected: Both AK, E ... (8) E کے لئے (9) Mf_2 ہے۔؛ U_1 , Mf_2 add ... (10) Mf_2 , U_1 ہے (11) U_1 ... (12) Mf_2 ہے۔ (13) U_1 , Mf_2 pref. ... (14) Mf_2 ہے۔؛ AK om. last 3 words. (15) U_1 ہے۔

10. (1) Mf_2 ہے۔ (2) U_1 ... (3) Mf_2 om. last 7 words. (4) AK, E om. (5) U_1 ہے؛ AK, E add ... (6) Mf_2 کے لئے؛ AK, E add ...

11. (1) U_1 , Mf_2 ...؛ U_1 , Mf_2 add ... (2) AK, E ... for last 3 words. (3) Mf_2 کے لئے۔

12. (1) U_1 om. (2) U_1 ... (3) U_1 , Mf_2 ... (4) Mf_2 کے لئے؛ AK, E om. (5) AK, E om. (6) U_1 ہے۔

13. (1) U_1 om. first 3 sentences. (2) Mf_2 ... (3) Mf_2 ہے۔ (4) Mf_2 ... (5) E om. ...؛ Mf_2 ... for ... (6) U_1 , Mf_2 ... (7) AK, E ... (8) AK, E ... (9) Mf_2 ہے۔؛ E کے لئے (10) Mf_2 ...؛ U_1 om. (11) Mf_2 ہے۔؛ U_1 om. (12) AK, E ...؛ U_1 om. (13) U_1 ہے (14) AK ... (15) U_1 ... (16) AK, E ... (17) AK, E ...؛ U_1 ... (18) Mf_2 ... (19) U_1 , Mf_2 om. last 7 words. (20) AK, E om. (21) AK ... (22) AK ...؛ E ...

14. (1) AK pref. ...؛ E pref. ... (2) AK om. (3) Mf_2 کے لئے (4) Mf_2 ہے۔ (5) Mf_2 om. last 7 words.

15. (1) U_1 , Mf_2 om. this section with the remarks:— (2) AK ... (3) Mf_2 ...

16. (1) Mf_2 ... (2) Mf_2 ...؛ AK, E ... (3) U_1 , Mf_2 , E ... (4) Mf_2 ہے۔ (5) Mf_2 کے لئے

17. (1) U₁, Mf₂ om. this section ; E دانشگاه for first 3 words. (2) E دانشگاه.

18. (1) AK, E دانشگاه (2) Mf₂ دانشگاه (3) E دانشگاه
(4) U₁, Mf₂ دانشگاه (5) AK om; Mf₂ دانشگاه (6) U₁ دانشگاه ;
AK, E om. (7) AK, E pref. دانشگاه (8) E دانشگاه ; AK, E pref.
دانشگاه and add دانشگاه (9) AK, E m. last 8 words and substitute دانشگاه
(10) Mf₂ دانشگاه.

19. (1) U₁ Mf₂ om this section. (2) E دانشگاه.

20. (1) U₁ Mf₂ دانشگاه (2) Mf₂ دانشگاه (3) AK, E om.
gloss. (4) Mf₂ دانشگاه and adds دانشگاه (5) Mf₂ دانشگاه ; AK, E
دانشگاه and add دانشگاه (6) AK, E om. (7) Mf₂ om. (8) Mf₂ دانشگاه.

21. (1) Mf₂ دانشگاه (2) U₁, Mf₂ om. last 4 words. (3) U₁ دانشگاه ;
Mf₂ دانشگاه (4) E adds دانشگاه (5) Mf₂ دانشگاه ; U₁ دانشگاه (6) AK
دانشگاه (7) Mf₂ adds دانشگاه (8) U₁ om. (9) Mf₂ دانشگاه (10) U₁ om. rest
of the sentence from here. (11) Mf₂ دانشگاه (12) AK, E دانشگاه (13)
AK, E دانشگاه (14) Mf₂ دانشگاه ; AK دانشگاه.

22. (1) Mf₂ دانشگاه (2) U₁, Mf₂ دانشگاه (3) U₁, Mf₂ دانشگاه (4)
E adds دانشگاه (5) U₁, Mf₂ E دانشگاه (6) Mf₂ دانشگاه ;
E دانشگاه (7) Mf₂ دانشگاه ; U₁, Mf₂ add :-
دانشگاه دانشگاه دانشگاه دانشگاه دانشگاه دانشگاه دانشگاه دانشگاه
(a) U₁ om.

23. (1) U₁, Mf₂ om. this section. (2) AK دانشگاه.

24. (1) Mf₂ دانشگاه (2) U₁ دانشگاه (3) Mf₂ دانشگاه (4) AK,
E دانشگاه.

25. (1) U₁ دانشگاه ; AK, E دانشگاه for the
first 3 words. (2) U₁, Mf₂ دانشگاه (3) Mf₂ دانشگاه (4) U₁ دانشگاه
(5) U₁, Mf₂ دانشگاه (6) So AK, E; U₁, Mf₂ دانشگاه (7) U₁ om. (8)
Mf₂ دانشگاه (9) E om. (10) Mf₂ دانشگاه ; AK دانشگاه (11) U₁, Mf₂
دانشگاه.

26 (1) U₁, Mf₂ سے (3) U₁ سے (3) U₁, Mf₂
om. last 2 words. (4) Mf₂ سے

27. (1) U₁ سے (2) U₁ سے; Mf₂ سے (3) U₁, Mf₂ om. (4)
Mf₂ سے (5) Mf₂ سے

28. (1) U₁, Mf₂ om. (2) Mf₂ سے (3) AK, E سے for سے
(4) AK سے; AK pref. سے; E pref. سے (5) Mf₂ سے
(6) Mf₂ سے (7) U₁, om. (8) U₁, Mf₂ سے for سے (9) E
سے (10) AK adds سے and E adds سے (11) E سے;
U₁ om. (12) Mf₂ سے.

29. (1) U₁, Mf₂ سے (2) Mf₂ سے (3) Mf₂ سے (4)
U₁, Mf₂ سے (5) AK adds سے; E adds سے (6)
AK, E سے (7) U₁, Mf₂ om. سے (8) AK,
E add سے; E has this and the following 3 words on margin. (9)
Mf₂ سے (10) AK سے (11) Mf₂ سے.

30 (1) AK سے (2) U₁, Mf₂ سے (3) AK, E om (4) AK, E
سے (5) Mf₂ سے (6) U₁ Mf₂, سے for سے.

31. (1) Mf₂ سے (2) AK سے; E adds سے (3) Mf₂ سے
(4) AK سے; E سے for سے (5) All om. the
version of the last Avesta sentence of this para.

32. (1) AK سے (2) AK سے (3) Mf₂ سے (4) AK سے
(5) U₁, Mf₂ سے (6) Mf₂ سے.

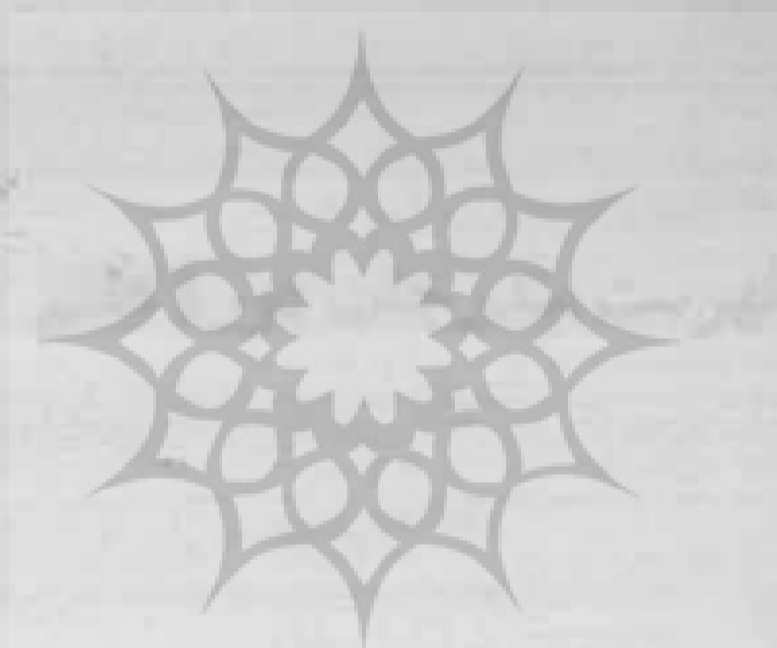
33. (1) U₁ سے (2) Mf₂ سے; U₁ سے (3) U₁, Mf₂ pref.
سے (4) U₁ سے (5) AK سے; U₁ سے (6) U₁, Mf₂ سے (7) AK,
E add سے (8) AK, E om. (9) AK, E سے (10) AK, E سے (11)
AK, E add سے (12) So Mf₂ only. (13) Mf₂ pref. سے (14) AK,
Mf₂ om. rest of the para from here. (15) E سے (16) E om.



از این کتابها و رسالات در تهیه این مقاله استفاده شده است :

- ارداویرافنامه منظوم از دکتر رحیم عقیفی چاپ مشهد ۱۳۴۳ .
- ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آیین مزدیسنی: دکتر رحیم عقیفی چاپ مشهد ۱۳۴۲ .
- ایران در زمان ساسانیان از آرتور کریستنسن ترجمه رشید یاسمی چاپ دوم .
- ایران کوده شماره ۶ از دکتر محمد مقدم و دکتر صادق کیا .
- بندهشن یا زند آکاسیه : بهرام گور انگلساریا ، بمبئی ۱۹۵۶ .
- خرده اوستا تألیف پورداود از انتشارات انجمن زردشتیان ایرانی، بمبئی ۱۳۱۰ .
- دیوان فرخی بکوشش محمد دبیرسیاقی اسفند ۱۳۳۵ .
- دیوان قطران بسی و اهتمام محمد نخجوانی چاپ تبریز ۱۳۳۳ .
- دیوان مختاری باهتمام جلال‌الدین همایی انتشارات نگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۱ .
- دیوان مسعود سعد تصحیح مرحوم رشید یاسمی ۱۳۳۹ .
- دیوان معزی بسی و اهتمام عباس اقبال ۱۳۱۸ .
- دیوان منوچهری دامغانی بکوشش دکتر دبیرسیاقی ۱۳۴۷ .
- زند اوستا دارمستتر چاپ پاریس ۱۹۶۰ .
- زند خرده اوستا از ارواد بامانجی ناسروانجی دهاپهار چاپ هند ۱۹۲۷ .
- شاهنامه فردوسی چاپ بروخیم ۱۳۱۴ .
- فرهنگ پهلوی: دکتر بهرام فره‌وشی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۶ .
- فرهنگ جهانگیری : دکتر رحیم عقیفی، انتشارات دانشگاه مشهد .

- فرهنگ هزارشهای بهلوی: دکتر محمدجوادمشکور، انتشارات بنیادفرهنگ ایران ۱۳۴۸.
- لفت فرس اسدی تصحیح عباس اقبال .
- واژه‌نامه بندهش تألیف مهرداد بهار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۵ .
- واژه‌نامه مینوی خرد تألیف دکتر احمد تفضلی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۸ .
- ویس‌ورامین فخرالدین اسعد گرگانی باهتمام محمدجعفر محجوب ۱۳۳۷ .
- یشتها (۲جلد) پورداود ، انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی، بمبئی .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی